



نگاهی به نقاشی‌های علی اکبر صادقی برای کتابهای کودکان و نوجوانان

کاظم حافظیان رضوی

کارشناس ارشد مرکز اطلاع رسانی

وزارت جهاد سازندگی



مقدمه

مصور کردن آثار کودکان در ایران، عمری به کوتاهی ادبیات کودکان و نوجوانان دارد. مقصود ادبیاتی است که اختصاصاً با توجه به نیازهای کودکان و رعایت ضوابطی برای این گروه از جامعه به وجود آمده، نه آثاری که به آنها منسوب می‌نمایند.

با پیشرفت صنعت چاپ رنگی، تصاویری که در این حوزه ارائه شده در آغاز شکل و رنگ و بوی تقلید داشت. در اکثر موارد، کلیشه کامل همان تصاویر آثار ترجمه شده بود و شاید که این خود دلیل کشش مصوران این آثار به سوی کارهایی از آن گونه می‌شد. اگر نگاهی گذرا به انتشارات مجموعه‌های طلایی یا تصاویری که در «کپهان بچه‌ها» در اوایل چاپ می‌شد بیندازیم، دور بودن مصوران و دست اندر کاران را از آفرینش اثر تصویری همراه با اندیشه مستقل و طرح مستقل به خوبی در می‌یابیم. محققاً می‌توان ادعا کرد که با تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و برداشتن گامهای اساسی در زمینه تولید (تألیف، ترجمه، چاپ و نشر) آثار در حوزه ادبیات و خواندنیهای کودکان و نوجوانان این سرزمین، همراه با نویسندگان، شاعران مترجمان و علاقه‌مندان این حوزه، مصوران، نقاشان و مذهبیان نیز در میدان حضور یافتند و واقعا باید گفت در مواردی - نه کم - کارهایی کارستان ارائه نمودند.

فرشید مثقالی، بهمن دادخواه، نورالدین زرین کلک، نیکزاد نجومی، پرویز کلاتری، علی اکبر صادقی و... هر کدام به گونه‌ای تجربه و آفرینش آثار هنری را در ارائه منتهای نویسندگان و باز آفرینان ایرانی آغاز نمودند و خیلی زود شاهد درخشش آنها در قضاوت‌های بین‌المللی معتبر نیز بودیم. برای مثال برنده شدن کارهای فرشید مثقالی به خاطر نقاشی‌های کتاب "ماهی سیاه کوچولو" در نمایشگاه "بولنی" و "بی‌ینال براتیسلاوا" در همان سالهای آغازین می‌توان نام برد. او تنها نقاش ایرانی است که جایزه جهانی اندرسن را هم برده است.

به دلیل نو بودن پدیده آفرینش آثار برای کودکان و نوجوانان ایرانی میدان برای تجربه باز بود و شماری از مصوران و نقاشان با استفاده از امکانات کانون و بعضاً ناشران دیگر مانند بنگاه ترجمه و نشر کتاب، امیر کبیر، همگام و... دست به تجربه‌هایی در این زمینه زدند که توفیقاتی را نیز در بر داشت؛ ولی باید گفت کانون و بچه‌هایش فراتر بودند. برخی از

مصوران و نقاشان با همکاری فیلمسازان از فرصت - فراهم بودن امکانات - استفاده کرده و تهیه فیلمهای "نقاشی متحرک" (انیمیشن) را نیز در دستور کار خود قرار دادند و در این حیطه نیز درخشیدند. در این میان بعضی از نقاشان و مصوران در شیوه خاصی حرکت کردند و آنچه ارائه نمودند در همین سبک و سیاق خاص، حتی در "انیمیشن‌ها"، همراه با تحول بود.

علی اکبر صادقی نقاش و تذهیب‌گر ایرانی که بررسی آثار نقاشی و تذهیبهای وی برای کتابهای کودکان و نوجوانان موضوع این نوشته است از جمله هنرمندان فوق‌الذکر است و با مروری در آثارش درمی‌یابیم که وی به شیوه خاصی در نقاشی برای کودکان و نوجوانان پرداخته و آن سبک نمادی و مینیاتور است و به گفته خودش ترکیبی از "مینیاتور، چاپ سنگی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای" است. دلایل انتخاب و تأکید بر این سبک در گفتگویی که با ایشان انجام شده بیان گردیده و اطاله کلام لازم نیست.

در اینجا لازم می‌دانم به ناتوانی خود در نقد نقاشی و تصویرگری اشاره‌ای کنم که نگارنده در جنبه‌های هنری آثار صاحب‌نظر نیست؛ بلکه در تلاش برای راه یافتن به جای است. آنچه در این بررسی مد نظر قرار خواهد گرفت بیشتر بیان نقاط قوت و ضعف شیوه و سبک علی اکبر صادقی در نقاشی برای کتابهای کودکان و نوجوانان و اشاره‌ای به پذیرش و قبول این آثار از طرف خوانندگان این آثار خواهد بود که به هر حال مخاطبان اصلی هستند و می‌کوشیم که دریابیم هنرمند تا چه میزان به هدف خود در این زمینه دست یافته است.

تصویر در کتابهای کودکان و نوجوانان

برای ورود به بحث باید نخست مقدماتی را بیان کرد تا تکلیف تا حدودی روشن باشد. مثلاً چه ضرورتی دارد دست به چنین نقد و بررسی زده شود؟ پاسخ در بیان زیر نهفته است.

یکی از بهترین راههایی که می‌توانیم نخبگان ادبیات کودکان باشیم این است که به نقد پردازی آن مشغول شویم و آن را توسعه دهیم و در این راه هر چه بیشتر تشویق کنیم. لذا اطمینان اهمیت به ادبیات باید در بالاترین جای ذهنمان قرار گیرد. این نه فقط به خاطر سود کودکانی است که این آثار را



می‌خوانند بلکه دقیقاً^۵ به خاطر بقای فرهنگی است که در آن زندگی می‌کنیم.

می‌توان اضافه کرد که این فرهنگ فقط در ادبیات خلاصه نمی‌شود، بلکه در مورد تمام اجزایی که در کنار این ادبیات حرکت می‌کنند نیز قابل تعمیم است. به این ترتیب، دیگر نگرانی نداریم. می‌دانیم که غرض از نقد تکفیر یا تأیید کسی نیست؛ بلکه هدف بالاتر از اینهاست.

و اما نکته دیگر، چرا علی اکبر صادقی؟ آیا انتخاب این نقاش از بین دیگر نقاشان اتفاقی است؟ در درجه اول علاقه شخصی نگارنده به کارهای این هنرمند و سپس توجه به این نقل قول است: ... از میان آثار، مقصود آثاری است که به دهمین بی‌یتال مصوران براتیسلاوا در ایران ارائه شده، پیش از همه به کار علی اکبر صادقی - مقصود کتاب "پیروزی" آخرین اثر اوست - توجه شده بود، و آن را از نظر تجسم و رنگ قوی تشخیص داده بودند، پیام اثر را گرفته بودند؛ ولی معتقد بودند که آنچه خواننده نوجوان در این اثر دریافت می‌کند به نوعی با دنیای ما و اندیشه انسانی سازگار نیست و ...^۶

باری آنچه درباره ضرورت کیفیت تصویر در آثار کودکان و نوجوانان بیان شده به شرح زیر است:

۱. تصاویر باید قدرت خلاقیت کودکان و نوجوانان را برانگیزانند.
۲. تصاویر باید از کیفیت هنری قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشند.
۳. تصاویر با در نظر گرفتن قدرت درک خوانندگان تهیه شده باشند.
۴. تصاویر کلیدی باشند، برای درک بهتر مطلب.^۷

می‌توان افزود که تصاویر باید به پرورش هنر خوب دیدن عنایت داشته باشند و انگیزه زیبا شناسی را در این حوزه هنری تقویت و تربیت نمایند. شناخت دادن و نفوذ در تلفیق رنگها، درک کیفیت این ترکیبها و احساس لطافت یا خشونت در رنگ و تصویر نیز می‌تواند از رسالتهای هنرمندی باشد که در حوزه آثار کودکان و نوجوانان تلاش می‌نماید.

اشاره‌ای دیگر "... تصویرگری کتابهای کودکان و نوجوانان همواره دو بعد خود را حفظ کرده است، بدین معنی که هر تصویر به خودی خود لازم است در حدی باشد که بتوان به عنوان یک کار هنری آن را در موزه آویخت، ولی از طرف دیگر

باید راه بدهد که در ترکیب با متن، اثری تازه بیافریند و در دهها هزار نسخه در سرتاسر جهان مورد استفاده میلیونها خانواده قرار گیرد و حتی از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد.^۸

آنچه ذکر شد، نظرات صاحب نظران و مستقدین ادبیات کودکان و نوجوانان بود. اکنون جا دارد نقطه نظرهای تنی چند از نقاشان و مصوران را نیز در این زمینه نقل کنیم.

آقای فرشید مثقالی در گفتگویی عنوان کرده است که "... از لحاظ نقاشی من عقیده دارم بچه‌ها باید با آخرین سبکها و تکنیکهایی که در دنیا پیدا شده آشنا شوند. ما نمی‌توانیم صرفاً به خاطر فروش بیشتر کتاب سطح کار خودمان را پایین بیاوریم. اگر شما به کتابهایی که در خارج برای بچه‌ها تهیه می‌شود نگاه کنید، همه سبکهای نقاشهای معروف در آنها دیده می‌شود و بچه‌ها خود به خود با آنها آشنا می‌شوند و این طبیعتاً روی بچه‌ها بی‌اثر نیست ... به نظر من نقاشی کردن برای بچه‌ها به مراتب مشکل‌تر از نقاشی کردن برای بزرگترهاست، چون رابطه پیدا کردن با بزرگترها آسان‌تر است. ضابطه‌ای وجود ندارد تا بتوانیم به طور قاطع بگوئیم بچه‌ها چه کاری را دوست خواهند داشت ... خط و رنگ که در کتاب بچه‌ها می‌دهیم در واقع الفبای هنر نقاشی است و در شکل دادن به سلیقه آنها بسیار مؤثر است. بچه‌ها همین قدر که در نقاشی، شکلها و فیگورها را تشخیص بدهند، راضی‌اند - حتی اگر نقاش کاملاً مدرن باشد ... من مایلیم که تصاویر حتماً چیزی اضافه بر متن به خواننده بدهد. نقاش از زبان خاص خود استفاده می‌کند، برداشت آدمها از نقاشی با برداشت آنها از متن متفاوت است. من سعی می‌کنم بر متن چیزی بیافزایم بدون اینکه در داستان دست بپریم...

خانم ژانت میخائیلی می‌گوید: "... تهیه نقاشی یا تصویری برای کودکان آن گونه و آن طور که منطبق و فراخور دنیای شاد و درخشان کودکان باشد زیاد آسان نیست. در این کار تجربه و لمس دنیای کودکان نقش ویژه‌ای دارد. باید دید چه نکات و خصوصیات جالب نظر کودک را می‌کند. تصور من این است که خطوط ساده و به کار بردن رنگهای شاد و زنده بیشتر مورد توجه کودکان است. علاوه بر اینها، نقاشی کودکان باید دارای طنز کودکانه و سرشار از محبت و مهربانی باشد تا احساسات لطیف و ظریف کودکانه را خدشه دار نکند...

آقای روبین آبدالیان اشاره می‌کند که: "... در نقاشی برای

کودکان، رنگ مهمترین مسئله است. زیرا کودکان در مرحله اول به کمک رنگ است که با تصویر ارتباط برقرار می‌کنند. اگر رنگها خوشایند بودند، کنجکاو می‌شوند که روی تصویر نیز تعمق کنند، بنابراین، مدت زمان بیشتری با نقاشی باشند، خاطره آن را در ذهن نگه دارند و در مورد آن با دوستان و همسن و سالهای خود صحبت کنند. رنگها اگر به صورت تخت و بدون سایه و هاشور باشد، بهتر است. در مورد پرسپکتیو هم رعایت آن چندان برای کودکان لازم نیست...^{۱۱} اکنون، با توجه به مطالب عنوان شده بهتر می‌توانیم به آثار نقاش مورد نظر خود پردازیم.

آثار

کتابهایی که علی اکبر صادقی، نقاش یا مذهب آنها بوده به ترتیب الفبای آنها به قرار زیر است:

۱. آتش باش تا برافروزی، گزیده‌ای از سخنان خواجه عبدا... انصاری / به انتخاب غلامرضا امامی، نقش و تذهیب از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۷.
۲. آنها که زنده‌اند، زندگی نامه حضرت زینب (ع) / نوشته غلامرضا امامی؛ نقاشی و تذهیب از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۴.
۳. آورده‌اند که، فردوسی... زندگی راستین درافسانه‌ها / نوشته مهدی اخوان ثالث؛ نقاشی از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۴.
۴. باران، آفتاب و قصه کاشی / نوشته نادر ابراهیمی؛ نقاشی علی اکبر صادقی. - تهران: امیر کبیر، کتابهای شکوفه، ۱۳۶۳.
۵. باهم زندگی کنیم، قصه‌هایی از ایران، هند، ژاپن، مصر، شوروی، انگلیس، فرانسه، امریکا، چکسلواکی. نقاشی‌ها از بهمن دادخواه؛ نسرين خسروی؛ بهرام خائف؛ نورالدین زرین کلک؛ علی اکبر صادقی؛ پرویز کلانتری؛ هوشنگ محمدیان؛ فرشید مثقالی / انتخاب و ویرایش سیروس طاهباز. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۶.
۶. پهلوان پهلوانان، براساس يك داستان پهلوانی ایرانی / تنظیم متن از سازمان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ نقاشی از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۴۹، ۱۳۵۲.



۱۳. عبادتی چون تفکر نیست، از سخنان حضرت محمد(ص)/ به انتخاب و ترجمه‌ی غلامرضا امامی؛ نقش و تذهیب از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۲.

۱۴. عبدالرزاق پهلوان، براساس یک داستان پهلوانی ایرانی/ تنظیم از سازمان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ نقاشی از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۱.

۱۵. فرزند زمان خویشتن باش، از سخنان علی(ع)/ به انتخاب و ترجمه غلامرضا امامی؛ نقش و تذهیب از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۱.

۱۶. قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب (جلدهفتم)/ نگارش مهدی آذربیدی؛ تصاویر از علی اکبر صادقی. - تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۲.

۱۷. گردآفرید، براساس داستانی از شاهنامه فردوسی/ نقاشی از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۲.

۱۸. مادر پیامبر(ص)/ برگرفته از نوشته بنت الشاطی؛ ترجمه ب. ابطحی؛ تذهیب از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۳.

۱۹. مفرغ سازان/ نوشته‌ی دونالدویلبر؛ نقاشی از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۳.

آقای صادقی درسه حوزه نقاشی، تذهیب و نقاشی متحرک (انیمیشن) کار می‌کند. ما در این بررسی به دوحوزه از کارهای ایشان که مربوط به کتاب کودک و نوجوان می‌شود می‌پردازیم تذهیب و نقاشی برای ادبیات کودکان و نوجوانان، گویا اینکه معتقدم "سینمای نقاشی متحرک" یکی از حوزه‌های هنر است که اختصاصاً با توجه به نیاز کودکان و نوجوانان پیدا شده و زایشش را مدیون خواست این گروه از جامعه است، اما به دلیل محدود شدن بررسی و جلوگیری از اطاله کلام از ورود به بحث در این مورد خودداری می‌شود.

تذهیب

علی اکبر صادقی از معدود کسانی است - و می‌توان ادعا کرد

۷. پیروزی/ نوشته مهدی معینی؛ نقاشی از علی اکبر صادقی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۴.

۸. جشنهای مردم آسیا برای کودکان همه جا/ چهارشنبه سوری، نوشته سیروس طاهباز، نقاشی علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۳.

۹. حقیقت بلندتر از آسمان، از سخنان امام جعفر صادق(ع)/ به انتخاب و ترجمه غلامرضا امامی؛ نقش و تذهیب از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۳.

۱۰. خورشیدخانم آفتاب کن/ نوشته‌ی عزیز نسین؛ ترجمه‌ی روشن، نقاشی از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۶.

۱۱. سفرهای سندباد/ نوشته‌ی محمدعلی سپانلو؛ نقاشی از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۴.

۱۲. شطرنج بازی کنیم/ نوشته ر. بات و س. موریس؛ ترجمه منوچهر محمدی شجاع؛ نقش از علی اکبر صادقی. - تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۴.



این رنگها دقیقاً باتوجه به حال و هوای متن انتخاب شده است.

نقاشی

حال و هوای نقاشیهای صادقی درظاهر شکل و بوی سنت دارد و وفاداری صادقی به رعایت اصول این شیوه و تلاش وی در ارائه هرچه بهتر این آثار باتوجه به ویژگیها و نیازهای نوجوانان ملموس و آشکار است. آنچه دراین آثار چشمگیر است، دخل و تصرفهای وی در این سبک و پرداختها و نوآوریها و نوگیری اوست.

او درسال ۱۳۴۸ برای اولین بار در اوج گرایش نقاشان کتابهای کودکان به " مدرنیزم" و تقلید از هنر مدرن غربی، آن طور که درآثارش مشخص است تأکید براصالت کار هنری برای نوجوانان داشت. اشاره این نکته لازم است که کارهای نقاشی غیرکتابی وی سوررئالیستی است، ولی این سوررئالیسم نیز به کمک همان سبک مینیاتوری نقاشی می شود (من وارد این بحث نمی شوم که امروز مینیاتور چه پایگاهی می تواند درنقاشی داشته باشد یا رسالت نقاشان این سبک چه چیز می تواند باشد. بحث من بحث مکتبی درنقاشی نیست. من این باور را دارم که نوجوانان ایرانی باید در حالی که از انواع سبکهای نقاشی درکتابهای متعلق به آنها استفاده می شود، این سبکها- مینیاتوره، نقاشی قهوه خانه ای، چاپ سنگی - رانیز ببینند و بشناسند. زیرا ارتباط مستقیم باهنر قومی و ملی آنها دارد).

فضای آثار نقاشی شده او درکتابهای زیاد منطبق برفضای مورد نیاز محتوای آثار نیست، البته نه درتمام موارد. او خود را به هیچ وجه ملزم به تکرار متن به کمک تصویر یا به عبارت دیگر، القای متن به کمک نقاشی درآثار ادبی نمی کند. کار او همان تابلویی است که باید بتواند به عنوان تابلویی مستقل در موزه ای نصب شود، درعین اینکه باید مورد استفاده میلیونها خانواده نیز قرار گیرد.

صادقی باتلفیقی از رنگها و تصاویر، جا برای فعالیت ذهن نوجوانان باز می کند. نقاشی کتابها گاهی کاملاً مستقل از متن حرکت می کند و با وجودی که بامتن رفیق همراهی است، درعین حال از هیچ قسمتی از اثر به سادگی نمی گذرد. با تصویرها بسیار جدی برخورد می کند. برای نمونه به نقاشیهای

که تنها کسی است - که کارتذهیب برای ادبیات و خواندنیهای کودکان و نوجوانان رابه صورتی جدی آغاز کرد و باتوجه به اینکه کودک و نوجوان ایرانی نیاز دارد باآثار قومی خود آشنایی پیدا کند و این آشنایی می تواند از کاشی کاری در و دیوار مساجد و مدارس و نکایا و آب انبارها و امامزاده ها شروع شود (که غالباً برخوردارش باآنها سطحی است، ولی وقتی به حاشیه کتاب متعلق به او پیدا شود، بیشتر جلب توجه می نماید) صدالبته دراین خصوص هماهنگی متن و تذهیب، نکته قابل توجهی است و در چند اثر این هنرمند، این هماهنگی احساس می شود.

نکته دیگری که در این زمینه رعایت شده است ارائه هنر "خط - نقاشی". است که باتوجه به زمان ارائه این آثار باید گفت، گامی ضروری بوده و صدحیف که ادامه آن مشاهده نمی شود. باتوجه به اینکه هنر خطاطی و تذهیب باخطوط یکی ازعلائق کتابسازان و صحافان و وراقان^{۱۲} این مرز و بوم بوده و سابقه ای قدیم دارد و اگر رسالت تذهیب و حاشیه سازی درآثار کودکان و نوجوانان امروز را بخشی از آشنایی با داشته ها و امکانات هنری یک قوم به نسل جوان و نسلهای آینده بدانیم^{۱۳} همچنان ادامه این روش در برخی آثار به مناسبت "احادیث و کلمات قصار" توصیه می شود.

به حال آنچه مربوط به این نگاه می شود این است که فکر و کار تذهیب برای آثار کودکان و نوجوانان (بالاخص نوجوانان) قابل تقدیر است و علی اکبر صادقی در این حوزه موفق بوده است.

شاید علت باقی ماندن بعضی آثار خطی قدیمی ظاهر آنها بوده است که برمحتوا (احتمالاً) پیشی داشته، اما باید گفت که باتوجه به امکانات چاپ ضرورت حفظ اثر مطرح نیست بلکه ضرورت آشنایی با این هنر و ازهمه مهمتر درحوزه ادبیات، می تواند یاوری خوب در ارائه مطالبی نظیر اندرزها، کلمات قصار و پندهای بزرگان و مانند آن باشد.

رنگهای انتخابی برای فضای این آثار چشمگیر است. نگاه کنیده کتاب "مادریپامبر(ص)" فضای سبز انتخاب شده به قداست اثر کمی فراوان می کند و به گفته خود آقای صادقی





کتاب "باران، آفتاب و قصه کاشی" که به نظر من یکی از بهترین کارهای وی است، توجه کنید. در سرتاسر متن صحبت از تالار شهر و دیوارهای آن است، ولی خواننده هرگز در صفحات نقاشی شده کتاب اثری از دیوار و تالار نمی‌بیند. اما تابخواهی رنگ و طرح و کاشی و شادی و نگرانی و تلاش می‌بینی که منطبق با حال و هوای مخاطبان است. چهره قهرمانان آثار درکارهای صادقی، یکی از بارزترین نقاط کار اوست. غم و شادی و تفکر و اضطراب هرکدام به نوعی در چهره‌ها نمایان است. گویی می‌خواهد درون قهرمان را از برون متجلی سازد. در کتاب "پهلوان پهلوانان" که اولین کار صادقی است با توجه به اینکه او تابع متن است، چهره‌ها بسیار بیانی تصویر شده‌اند. درکارهای بعدی تابعیت از متن کاسته می‌شود، اما چهره‌ها همچنان گویایمانند.

در تصویرکردن آثاری که جنبه تاریخی دارند، یابه عبارت دیگر در بازسازی گوشه‌هایی از تاریخ، هنرمند باید مانند نویسنده در ظرایف آن لحظه تاریخی تحقیق کند، همان‌گونه که نویسنده نمی‌تواند با مستمسک خلق ذهنی اثر، رشته‌های تاریخی را پاره کند، مصور هم نمی‌تواند تنها به ذهنیت خود متکی باشد. در "پهلوان پهلوانان" یک سلسله بی‌دقتی‌های تاریخی مشاهده می‌شود. از جمله اینکه پوریای ولی یک پهلوان است. ورزشهای باستانی ایرانی که کشتیهای پهلوانی هم نمودی از آن است، دارای آداب و حتی پوشاک خاص خود بوده‌است. هرگز در هیچ کجا ثبت نشده است که پهلوانان (البته به جز میدانهای نبرد) با کلاه خود و زره کشتی بگیرند، بلکه لباسهای مخصوص داشته‌اند که آخرین بقایای آن هم در این روزها اصالت خود را از دست داده است.

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد فضای دلگیر دوسه اثر صادقی است، مقصود رنگ قهوه‌ای و تیره دو کتاب "گردآفرید" و "پهلوان پهلوانان" است که زیاد پسند دل مخاطبان نمی‌افتد، در حالی که در کتاب "عبدالرزاق پهلوان" فضای باز کتاب بسیار جالب است. در تجربه‌ای بی‌بردم پسرها بیشتر از دخترها به آثار پهلوانی کشش دارند، حتی در "گردآفرید" که قهرمان افسانه‌زنی از قهرمانان حماسی ایران است نیز این امر صادقی است.

حرکت یکی دیگر از ضرورتها در کار تصویری برای کودکان و نوجوانان است. ذات این دوره سنی حرکت است و

درون و برون کودک در تحول مدام؛ پس کتاب او و نقاشی او هم باید این ضرورت را احساس کند. صادقی در اکثر آثار، این نکته را رعایت کرده است. در چند اثر او از جمله "چهارشنبه سوری" و "پهلوان پهلوانان" و "شکم‌گنده، قددرازه، و چشم‌تیزه" حرکتها بسیار ملموس است.

انتخاب رنگها در حد ضرورت و تنوع در به کارگیری آنها دلپذیری اثر را دو چندان می‌کند، بالاخص در تصویر جلد کتاب "شطرنج بازی کنیم" و نقاشی‌های "چهارشنبه سوری" و "خورشیدخانم آفتاب کن" و "پیروزی" شاهد این دلپذیری هستیم. از دخالتهای خوب صادقی در تصویرگری آثار ترکیب چهره‌ها و لباسها در قصه "شکم‌گنده، قددرازه، و چشم‌تیزه"، در کتاب "با هم زندگی کنیم" است. دقت کنید قصه از سرزمین چکسلواکی است، ولی قهرمانان متعلق به همه جا.

آثاری که صادقی نقاشی کرده است از نظر متن بیشتر متعلق به گروه سنی نوجوانان و جوانان است و این شاید به خاطر متنهای بلند آثار باشد؛ اما جالب اینجاست که کودکان قبل از دبستان (البته پسرها) به کارهای او بسیار علاقه نشان می‌دهند. "مفرغ سازان" از کارهای استثنایی صادقی در روال سنتی شیوه او و موفق است. اما مشخص است که اصل کار چیزی فراتر از آن است که چاپ و ارائه شده است. در مصاحبه نیز خود آقای صادقی به این موضوع اشاره دارد. باید اشاره کرد که آثاری که برای کودکان و نوجوانان چاپ می‌شود باید از کیفیت بسیار خوب و بالایی برخوردار باشد. متأسفانه در دوسه اثر از کارهای صادقی این ضعف دیده می‌شود. که دقتی به چاپ آنها نشده است؛ که صداقتی به نقاشی از ناشران است و نه متوجه نقاش. اما در کتاب "قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب" و "گلستان و ملبستان" نقاش نیز کوتاهی کرده و به خطها قناعت نموده است. در "گردآفرید" نیز احساس خشنی و تیرگی منفی بر کتاب حاکم است.

اوج کارهای صادقی را می‌توان در آخرین اثرش "پیروزی" ملاحظه کرد که باید گفت تألیفی است تصویری و نقاش مایه عجیبی در کار گذاشته است و سخت پرکار است. روی تک تک چهره‌ها کار کرده است و استفاده بجا از سایه روشنها و مطلق نمودن نور و ظلمت و به کارگیری رنگها و داشتن حرکت همه در یک اثر و بجا حضور پیدا کرده‌اند. در "سفرهای سندباد" سبک کار بسیار متفاوت با دیگر آثار است و در کتاب

و پندها و اندرزهاست؛ و شیوه کار او پاسخگوی همین نیاز و زمینه‌هاست و این لازم است که باشد، چرا که در این شک نیست، نوجوانان ایرانی در کنار مدرنیسم حاکم بر نقاشیهای کتابهای کودکان و نوجوانان باید این سیاق را بشناسد.

به هر حال نقاشی علی اکبر صادقی هویت خود را یافته و این هویت را به ادبیات کودکان و نوجوانان ایران نیز ارزانی داشته است. امروز شاهد کارهای تصویری بعضی از نقاشان کتابهای کودکان در این شیوه هستیم که اکثراً خام و ابتدایی و بعضاً مبتذل می‌نمایند. امید است در این تقلید رهروی رهشناس شوند.

چون نقاشیهای صادقی در خدمت ادبیات کودکان و نوجوانان است (و نه دیگر بخشهای این حوزه مانند آثار علمی

"خورشیدخانم آفتاب کن" نیز چنین است. اما حقیقت این است که من مدتها به دلیل اینکه نمی‌دانستم چه کسی نقاشیهای "خورشیدخانم..." را نقاشی کرده است، ناراحت بودم زیرا نام نقاش در هیچکدام از صفحات کتاب نوشته نشده است بعداً در راستای همین نگاه متوجه شدم کار علی اکبر صادقی است. در این اثر، صادقی کاملاً نشان داده است که تیپهاو چهره‌ها و لباساتعلق به کجا دارند (ترکهای ترکیه) و فضایی را که انتخاب کرده همراه با متن و خواناست. اما در "سفرهای سندباد" کیفیت کار در چاپ مناسب نیست، بلکه نقص هم دارد و خلاصه احساس سندباد را در پی نمی‌آورد.

صادقی نوجوانان ایرانی را با مینیاتور، چاپ سنگی و نقاشی قهوه خانه‌ای که بخشی از نقاشی و هنر سنتی سرزمین اوست، آشنا می‌سازد. شک نیست که رسالت خود را در این زمینه به انجام می‌رساند، جالب اینکه این شیوه رهیافتی است که در خدمت متون و ادبیاتی قرار می‌گیرد که محتوای آکنده از حماسه، افسانه و فرهنگ قومی ملی و مذهبی دارد.

درون مایه آثاری که صادقی مصور و تذهیب نموده شامل شاهنامه، داستانهای پهلوانی، آداب و سنن ملی، کلمات قصار،



و غیر داستانی)، نقاش فضای گسترده‌ای را برای تجربه در اختیار دارد. زیبایی شناسی، تلفیق گرافیک و نقاشی، شکستن ابعاد و نشستن پرسپکتیو و ذهنی شدن و گاه غلو کردن در این حوزه مجاز است و باید تجربه شود، ولی این تجربیات باید تکیه بر اصول داشته باشد نه اینکه هر کس قلمو در دست گرفت و در رنگ زد، مجاز باشد که نقاش آثار کودکان شود. متأسفانه در این سرزمین - شاید هم در جاهای دیگر کودک و نوجوان را دست کم گرفته‌اند و می‌پندارند هر چیزی که خام است متعلق به اوست، اما این اشتباه بزرگی است. آنها منتقدین بزرگ هستند که فقط آنچه در حد آنهاست می‌پذیرند. به نظر من فقط، افرادی همچون صادقی که کودکان و نوجوانان را و در نتیجه حوزه‌های هنری کار کردن برای آنها را نیز بسیار جدی می‌گیرند، حق دارند در این حیطة تجربه کنند و روز به روز بهتر شوند.

گفتگو

ضمن تشکر از آقای علی اکبر صادقی به خاطر فرصتی که در یک بعدازظهر گرم تابستان در اختیارم قرار دادند. در آئلیهٔ سبز و پر صفایشان و برخورد صادقانه و بی‌ریای ایشان چند نکته را لازم می‌دانم تذکر دهم.

- پاسخها به دلیل نبودن "ضبط صوت" انعکاس دقیق گفتار ایشان نیست، بلکه برداشتهایی است که نگارنده پس از یادداشت برداری تنظیم نموده است، امیدوارم در نظرات ایشان قلبی نشده باشد.

- قسمتهایی از این گفتگو را هم از یک مصاحبهٔ دیگر

ایشان که «با فصلنامهٔ هنر» داشته‌اند نقل کرده‌ام.^{۱۴}

مختصری در بارهٔ زندگی هنری علی اکبر صادقی

- من [علی اکبر صادقی] در سال ۱۳۱۶ در تهران متولد شده‌ام. در چهارده سالگی با بدست آوردن یک جعبه آبرنگ، کار نقاشی را شروع کردم و در سال ۱۳۳۷ دیپلم گرفتم و به دانشکده هنرهای زیبا رفتم. در سال ۱۳۴۸ به سربازی رفتم و اولین کتابم در همین زمان به نام «پهلوان پهلوانان» از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به من سفارش و چاپ شد. پس از چاپ این کتاب من که افسر نیروی هوایی بودم به کانون منتقل شدم تا در زمینهٔ نقاشی عامیانه ایرانی فیلم بسازم که اولین فیلم من «هفت شهر» نام داشت. تاکنون شش

فیلم به نامهای هفت شهر، گلباران، رخ، من آنم که ...، ملک خورشید، و زال و سیمرغ ساخته‌ام. بیشتر جوایز و تشویقها به خاطر فیلمها نصیبم شده است که البته به خاطر اینکه فیلمها کلاً به صورت "انیمیشن" ساخته شده نقاشی‌ام در خدمت این کار بوده است.

اولین کتابی که در زمینهٔ ادبیات کودکان و نوجوانان نقاشی کرده‌ام "پهلوان پهلوانان" در سال ۱۳۴۸ و آخرین کارم "پیروزی" است که در سال ۱۳۶۴ منتشر شده است.

* می‌دانید که این کتاب آخری در دهمین بی‌ینال مصوران براتیسلاوا مورد توجه داوران قرار گرفته است؟
- خیر خیر ندارم.

* آقای صادقی چرا حوزهٔ ادبیات کودکان و نوجوانان را فضای مناسبی برای فعالیت شناخت هنر نقاشی می‌دانید و کودکان را به عنوان یکی از مخاطبان خود در راستای این هنر انتخاب کرده‌اید؟

- عامل اصل و اول، حقیقتاً کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود و استقبالی که از کارهای خوب در این زمینه می‌شد که فراهم بود و بعد هم خوب لازم است فرزندان این مملکت با سنتهای هنری و بالاخص شیوه خاص این هنر نقاشی ایرانی آشنا شوند و در عین حال به همراه داستان پهلوانی‌ها و مردانگی‌های جوانمردان و شیرزان، تصاویر خیالی آنها را که در سبک قهوه‌خانه‌ای مینیاتور منعکس است نیز بشناسند.

* سبک کار شما چیست و چه نام دارد؟

- کار من تلفیقی از مینیاتور، چاپ سنگی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای است. اصل کار "گرد آفرید" را روی تخته سه لا کار کرده‌ام.

* نقاش آثار ادبی برای کودکان و نوجوانان چه رسالتی دارد؟
- من خودم دوست دارم احساس قدیمی دادن داشته باشم؛ البته مردی و مردانگی‌هایش را. بیشتر می‌خواهم کارم ایرانی باشد. حتی در فستیوالهایی که شرکت می‌کنم، دلم می‌خواهد آثارم بوی ایرانی و هویت هنر این سرزمین را داشته باشد. معتمد قصه، داستان و افسانه ایرانی را باید همراه با نقاشی ایرانی خواند.

* تا کنون نظر کودکان و نوجوانان را در مورد آثار خود پرسیده‌اید؟ یا بررسی در این زمینه شده است؟

- در گذشته کانون گاهی ما را جهت شرکت در جلساتی که در کتابخانه‌هایش تشکیل می‌شد، دعوت می‌کرد و بچه‌هایی که قبلاً آثار ما را خوانده بودند و نقاشیها را دیده بودند در آن جلسات نظرشان را به ما می‌گفتند و سوالاتشان را از ما می‌کردند و اکثراً احساس رضایت و علاقه می‌نمودند. کلاً بچه‌ها کارهای ما در کتابهای کودک و نوجوان راحت درک می‌کنند، فکر می‌کنم.

* چقدر با نویسنده متن مشورت و هماهنگی می‌کنید؟ کلاً*
 ضرورت دارد که نقاش ادبیات کودکان و نوجوانان نظر نویسنده اثر را در کارش دخالت دهد یا خیر؟

- من اولاً چیزی را که نقاشی می‌کنم باید خودم در درجه اول از آن خوشم بیاید. بعد سعی می‌کنم روی آن خوب کار کنم و سؤال هم می‌کنم البته زیاد نه.

* من عقیده دارم نویسنده و نقاش یک اثر ادبی کودکان و نوجوانان هر دو کاری مستقل را ارائه می‌نمایند که در نهایت به یک اثر مشترک هنری ختم می‌شود، آیا با این نظر موافقت می‌کنید؟
 - بله باید این طور باشد.

* من در مروری که در آثار شما داشتم، سعی کردم چند اثر دیگری که نقاشان آنها سعی کرده‌اند در این شیوه قلم زنی کنند را نگاه کنم و آنها را بسیار ناپخته یافته‌ام و گاهی مبتذل. شما برای نقاشان جوانی که در این وادی علاقه‌مندند کار کنید چه توصیه‌هایی دارید؟

- معتقدم باید کارکنند، البته کارهای اصیل را ببینند، تمرین کنند و مطمئن باشند در اثر کار زیاد بهتر می‌شوند. باید از خط یک نفر در این رشته پیروی کنند و در درک متن آثاری که برای آنها کار می‌کنند تلاش نمایند و اشکالی هم نمی‌بینم. اگر لازم بود حتی بعضی چیزها را کپی کنند، از کارهای خوب. می‌توانم بگویم که استثناً در اینجا کپی مجاز است. من خودم در نقاشیهای مفرغ‌سازان دقیقاً از مفرغهای "لرستان" کپی کردم. البته باید بگویم که تصاویر مفرغ‌سازان را آن طور که باید چاپ نکرده‌اند و خوب چاپ نشده‌است.

* شما جزو معدود نقاشانی هستید که در حوزه تصویرگری و نقاشی آثار کودکان و نوجوانان سبک و سیاق خاصی دارید. بفرمایید تاکنون سعی کرده‌اید که این حریم را بشکنید و سبکی دیگر را تجربه کنید یا خیر؟ یا تجربه‌ای کرده‌اید که آن را کنار گذاشته باشید؟

- هر کتابی که برای نقاشی بدستم می‌رسد بارها و در شکل‌های مختلف روی آن کار می‌کنم و در نهایت کاری را که می‌پسندم ارائه می‌کنم. مثلاً در مورد کتاب "گردآفرید" روی مس، کاغذ و در آخر روی تخته سه‌لا کار کردم. نکته دیگر اینکه در مورد کتاب "پهلوان پهلوانان" حتی در تجدید چاپش تجدید نقاشی نیز شد. این کار اخیراً در ژاپن به زبان ژاپنی چاپ شده و نقاشیها از چاپ ایرانی قوی‌تر است.

* کار کدامیک از نقاشان دیگر را می‌پسندید، بالاخص برای آثار کودکان و نوجوانان در ایران؟

- کلاً آنهایی که با کانون کار می‌کنند، بخصوص قدیمیها که تجربه بیشتری دارند. کارشان بسیار خوب است و هر کدام ویژگی خاصی دارند. نورالدین زرین کلک، نیکزاد نجومی، کلاتری، فرشید مثقالی، بهمن دادخواه و... کارهایشان خوب



است.

* تشکر می‌کنم و امیدوارم باز هم برای بچه‌هانقاشی کنید. ان شاء...

احساس می‌کنم یک هنرمند واقعی باید این گونه باشد. میدان را برای همه باز بگذارد، کار همه را ارج نهد، در صورتی که لازم بداند نقد کند، و به جای حسد ورزیدن سعی می‌کند مشوق باشد و در کار خود هم تلاش بی‌وقفه کند. صادقی از نقاشی و چاپ بعضی از آثار احساس رضایت می‌کند و از بعضی گله و شکایت. حق دارد. تصویرگر آثار چاپی به چاپ و کیفیت ارائه می‌اندیشد. درست درآوردن رنگها، کادرها، چهره‌ها، ابعاد و دیگر اجزای کار، نقش اساسی در ارائه اثر هنری دارد.

وی می‌گوید " فکر می‌کنم کتاب‌ها در فستیوال‌ها ساید به دلیل اینکه کمتر محتوایشان با فرهنگ ایرانی از نظر خارجیها درک می‌شود، نمی‌توانند درست محک زده شوند. ولی کارهای سینمایی به دلیل اینکه بازیان تصویر و بیان به خدمت گرفته می‌شوند و مطلب بازمی‌شود، همیشه با موفقیت بیشتری همراه بوده است."

به در و دیوار آتلیه نگاه می‌کنم و غرق در آثار سوررئالیستی این تصویرگر و نقاش و مذهب آثار کودکان و نوجوانان می‌شوم. سوررئالیزم او را نیز دقیقاً در سبک و سیاق نقاشی قهوه‌خانه‌ای و مینیاتورش می‌یابم. لطافت شرقی و گاهی خشونت که زیاد عمیق نیست...

توضیحات:

۱. غیر از طالبوف و کتاب "احمد" او، تا زمان شروع کار توسط باغچه‌بان، بچی دولت آبادی، و صبحی مهدی‌کاری در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان نداریم.
۲. برای مطالعه "تاریخچه این مبحث" نگاه کنید به: گزارش شورای کتاب کودک، سال ۱۹، شماره ۳ و ۴، ص ۴۸-۴۹.
۳. سال ۱۹۶۹ میلادی، برابر با ۱۳۴۹ شمسی.
۴. فیلم "گلپاران" از کارهای علی اکبر صادقی برنده جایزه دوم فستیوال تهران، ۱۳۵۱ جایزه پلاک طلایی جشنواره کودکان، دیپلم افتخار فستیوال

"تاجره" فنلاند، جایزه دوم فستیوال "نیویورک"، جایزه گرافیستهای جشنواره "مسکو" و چند جایزه دیگر را از آن خود ساخت.

فیلم "رخ" از کارهای همین نقاش در آمریکا بین دو هزار فیلم جایزه اول را گرفت و جزو بهترین فیلمهای جشنواره جشنواره‌ها در لندن انتخاب شد.

فیلم "من آمم که" در فستیوال برلین، جایزه صلح گاندی "سیدالک" را گرفت و برای جشنواره برلین انتخاب شد و در پاریس جایزه "هنر در راه صلح و دوستی" را از آن خود ساخت.

۵. کینگزبری، ماری، "نظرگاهی چند بر نقد ادبیات کودکان"، ترجمه، علی رؤوف، گزارش شورای کتاب کودک، شماره اول و دوم، سال بیست و سوم، ۱۳۶۴. ص ۲۹.

۶. میر هادی توران، گزارش دهمین بی‌نال مصوران برانسیلاوا "گزارش شورای کتاب کودک، شماره ۴۰۳، سال بیست و سوم، ۱۳۶۴. ص ۲۴.

۷. میر هادی، توران، "گزارش دهمین بی‌نال مصوران برانسیلاوا"، گزارش شورای کتاب کودک، شماره ۴۰۳، سال بیست و سوم، ۱۳۶۴. ص ۲۴.

۸. ایمن، لیلی (آمی)، "ملاکهای معیارهای ارزشیابی کتابهای کودکان و نوجوانان"، گزارش شورای کتاب کودک، سال شانزدهم، ۱۳۵۷. ص ۲۹.

۹. میر هادی توران، "گزارش دهمین بی‌نال مصوران برانسیلاوا" گزارش شورای کتاب کودک، شماره ۳ و ۴، سال بیست و سوم، ۱۳۶۴. ص ۲۴.

۱۰. "گفتگویی با فرزند مثقالی، نقاش، فیلمساز و سرپرست گروه گرافیکستی، فصلنامه کانون، دوره اول، شماره اول، ۱۳۵۲، ص ۳۱-۳۸.

۱۱. "نقاشی برای کودکان چگونه باید باشد؟" معلم خانواده، شماره‌های ۳۴، ۴، سال ۱۳۶۰ - ۱۳۵۹. ص ۷۱ - ۶۹.

۱۲. همان منبع.

۱۳. وراق معمولاً به کسی گفته می‌شد که نسخه‌ها را کتابت و تزیین و تجلید می‌کرد و خود آن را می‌فروخت. وراقان اغلب دکانی داشتند که آنجا محل تجمع اهل فضل و ادب بود ابرج افشار، "صحافی از نگاه فرهنگ و تاریخ"، صحافی سنتی. تهران: دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی، ۱۳۵۷، ص ۷۷.

۱۴. پس از مشروطه، به سبب رواج روز افزون چاپ و علل دیگر، اغلب هنرهای کتابی متروک شد. خط روه سنتی نهاد و تذهیب رانباهی گرفت و تجلید را شریزه بگسست. استادان بازمانده از عهد قاجاریه پریشان حال زیستند و هنر خود را به شاگردی ناآموخته درگذشتند. ننی چند بازماندند و پاسداران و حافظان این هنرها شدند. خوشبختانه در سالهای اخیر گرایش به هنرهای اصیل ایرانی فزونی گرفته‌است. طالبان هنر شناس و هنرجو بسیار شده‌اند و ترقیاتی پدید آمد، آن چنان که کارهای برخی هنرمندان معاصر با آثار استادان سلف پهلو می‌زند و امروز استادانی عزیز الوجود هستند که از مفاخر هنرهای خط و تذهیب و تجلید و حافظان این هنرهای زیبای ایرانی‌اند. خدای شان حافظ باد، احمد طاهری عراقی، "هنر جلدسازی"، نامه انجمن کتابداران ایران، دوره هفتم، شماره سوم، ۱۳۵۳. ص ۳۷۴.

۱۵. "آنگاره‌هایی از خوابگردها و رؤیاها"، گفتگویی با علی اکبر صادقی، نقاش و فیلمساز. فصلنامه هنر. شماره دهم، تابستان ۱۳۶۴ و بهار ۱۳۶۵. ص ۲۲۷ - ۲۲۷.